

مغفول‌های سرنوشت‌ساز

● سید محمد حسین حسینی
دکترای برنامه‌ریزی درس
● دکتر معصومه مطور
استادیار دانشگاه فرهنگیان



نیما، دانش‌آموز کلاس چهارم، نه در علوم پیشرفت تحصیلی زیادی داشت، نه در فارسی ممتاز بود و نه در ریاضی آن قدر قوی که خانواده‌اش امیدوار شوند. اما زنگ‌های هنر و تربیت‌بدنی، ماجرا را عوض می‌کردند. وقتی معلم گل سفال‌گری یا مداد رنگی به او می‌داد، نیما در سکوت غرق می‌شد و طرح‌هایی می‌زد که توجه همه را جلب می‌کرد. زنگ ورزش هم برایش لذت‌بخش‌ترین زمان مدرسه بود؛ جایی که می‌دوید، می‌خندید و احساس زنده‌بودن می‌کرد. هیچ‌کس تا آن روز استعدادهای پنهان او را ندیده بود؛ شاید چون هیچ‌کس فرصتی برای شکوفایی او فراهم نکرده بود، شاید ...!



زندگی انسان ساختاری چندلایه، پویا و پیچیده دارد؛ ساختاری متشکل از ابعاد در هم تنیده زیستی، روانی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی که کیفیت زیستن، سلامت جسمی و روانی، و میزان موفقیت فرد را در ایفای نقش‌های اجتماعی و حرفه‌ای‌اش تعیین می‌کنند. اما در این میان، دو بعد کلیدی بیش از دیگر بعدها در شکل دهی به زیست مؤثر انسانی نقش دارند: «سلامت جسمانی» و «توانایی در مهارت‌های خلاقانه و معنادار» (Loehr & Schwartz, 2001).

سلامت فقط به معنای نبود بیماری نیست، بلکه برخورداری از آمادگی جسمانی، شادابی روانی و توانایی مواجهه با تنش‌های زندگی است (OECD, 2023)؛ ویژگی‌ای که در جهان امروز با تغییرات و فشارهای روانی گسترده، سریع و روزافزون نقش حیاتی تری دارد. همچنین، مهارت‌های خلاقانه و هنری، نه صرفاً ابزار سرگرمی یا تلطیف روح، بلکه شالوده تفکر انتقادی، توانایی حل مسئله، انعطاف‌پذیری ذهنی و حتی اشتغال پایدار به شمار می‌روند (Bakhshi, Frey & Osborne, 2017) و بسیاری از شغل‌های آینده، به توانایی‌هایی چون طراحی، خلاقیت، تصویرسازی ذهنی، آفرینندگی و بیان هنرمندانه ایده‌ها بستگی دارند.

با چنین نگاهی می‌توان دریافت، «تربیت بدنی» و «هنر» دو عنصر بنیادین هستند، هم برای ساختن آینده‌ای سالم‌تر، خلاق‌تر و توانا تر برای کودکان، و هم تأثیری عمیق و بلندمدت بر کیفیت زندگی بزرگسالان دارند. فعالیت بدنی منظم که از سنین کودکی نهادینه شود، تا سال‌های بزرگسالی به کاهش بیماری‌های غیرواگیر، افزایش بهره‌وری شغلی و حفظ نشاط روانی کمک می‌کند (Lee, et al., 2022). ورزش‌های تیمی، تمرین‌های فیزیکی و بازی‌های حرکتی بستر مناسبی برای پرورش همکاری، مسئولیت‌پذیری، مهارت حل مسئله و ارتباط مؤثر فراهم می‌کنند. اجرای برنامه‌های مهارت‌های زندگی مبتنی بر ورزش در کلاس‌های تربیت بدنی باعث بهبود معنادار مهارت‌های ارتباطی، تصمیم‌گیری، همدلی و مدیریت هیجان در میان دانش‌آموزان می‌شود (Goudas & Giannoudis, 2018). پیوند بین آموزش مهارت‌های اجتماعی هیجانی و فعالیت‌های تربیت بدنی، به‌ویژه در ورزش‌های گروهی، به‌عنوان راهبرد موفق تقویت خودآگاهی، خودمدیریتی و تفکر انتقادی قلمداد می‌شود (Nazari & Shoval, 2025). همچنین، فعالیت‌های فیزیکی مانند یوگا، دوچرخه‌سواری و بازی‌های حرکتی در مطالعات بین‌المللی به‌عنوان ابزارهایی مؤثر در ارتقای تاب‌آوری،

«تربیت بدنی» و «هنر» دو عنصر بنیادین هستند، هم برای ساختن آینده‌ای سالم‌تر، خلاق‌تر و توانا تر برای کودکان، و هم تأثیری عمیق و بلندمدت بر کیفیت زندگی بزرگسالان دارند

کنترل فشار روانی و تعامل مثبت اجتماعی معرفی شده‌اند (Becerra-Labra, et al., 2025). عکس این وضعیت نیز صادق است و کم‌تحركی بر بیماری‌هایی چون چاقی، اختلال‌های سوخت‌وسازی و بیماری‌های قلبی عروقی و کاهش کیفیت زندگی افراد در مراحل زندگی می‌افزاید (هاشمی، خطیبی، هژرنیا و علم، ۱۴۰۰).

تربیت هنری نیز ظرفیت بیان خود، مشارکت اجتماعی، حل مسئله و حتی مهارت‌های ارتباطی را تقویت می‌کند که همگی از الزامات کلیدی موفقیت در دنیای کار و زندگی امروز هستند. آموزش هنر، به‌ویژه در قالب برنامه‌های منظم مدرسه‌ای، بر خودآگاهی، همدلی، همکاری و مهارت‌های ارتباطی در دانش‌آموزان و رشد معنادار در حوزه‌های اجتماعی هیجانی، مانند مدیریت (Allensworth, Schwartz & de la Torre, 2019). اجتماع منجر می‌شود و مشارکت دانش‌آموزانی که در معرض آموزش‌های هنری قرار می‌گیرند، نسبت به سایر همسالان خود، تفکر انتقادی، خلاقیت، همدلی و حل مسئله بهتر دارند (Si-vanesan & Anandan, 2024). آموزش هنر به افزایش اعتمادبه‌نفس و تقویت بیان خود نیز کمک می‌کند؛ به نحوی که در پژوهشی جدید، ۹۲ درصد از کودکان گزارش کردند که فعالیت‌های هنری به آن‌ها کمک کرده است احساس بهتری نسبت به خود داشته باشند و اعتماد بیشتری به توانایی‌هایشان پیدا کنند (Parents.com). همچنین، براساس مطالعات علم اعصاب (نوروساینس) در زمینه رشد مغزی در کودکان، شرکت در فعالیت‌های بدنی منظم و تجربه‌های هنری به‌طور هم‌زمان بر حجم اسبک مغز (هیپوکامپ)، بهبود ارتباط‌های عصبی و ارتقای مهارت‌های شناختی هیجانی در آن‌ها می‌افزایند (Kolb & Gibb, 2019) و کشورهایی که در آموزش ابتدایی بیشترین سرمایه‌گذاری را روی درس‌های هنر و تربیت بدنی کرده‌اند (نظیر فنلاند، کره جنوبی و هلند)، در شاخص‌هایی چون شادی ملی، نرخ مشارکت در مشاغل خلاقانه، و سلامت روان بزرگسالان، وضعیت بهتری دارند (OECD, 2023).

اما با وجود این پشتوانه علمی و تجربی و تأکیدهای مکرر اسناد کلان آموزش و پرورش، از جمله سند تحول بنیادین (۱۳۹۰)، مبنی بر تربیت همه‌جانبه دانش‌آموزان در ساحت‌های شش‌گانه، دو درس «تربیت بدنی» و «هنر» همچنان در ساختار نظام آموزش و پرورش ایران در حاشیه قرار دارند، از اولویت برنامه هفتگی خارج‌اند و در زمان‌های آمادگی

و دلایل متعدد دارد. ریشهٔ چنین وضعیتی را باید در نگرشی سنتی، تاریخی و نهادینه‌شده جست که یادگیری را به‌طور عمده به تسلط بر محتواهای شناختی و درس‌های نظری محدود می‌کند و به این دو درس بیشتر نگاه ابزاری یا تشریفاتی (تربیت‌بدنی برای تخلیهٔ هیجانی، و هنر برای پرکردن زمان فراغت) دارد و نه به‌عنوان ابزار توسعهٔ مهارت‌های شناختی، اجتماعی و روانی (Csikszentmihalyi, 1996; Eisner, 2002). پژوهش‌های ملی نیز نشان می‌دهند که

خانواده‌ها، معلمان و مدیران مدرسه‌ها در ایران معمولاً ارزش این درس‌ها را کمتر از درس‌های نظری می‌دانند (کیانی، ۱۴۰۳). این ذهنیت نادرست از حمایت اجتماعی و تخصیص منابع مادی و معنوی موردنیاز به این حوزه‌ها کاسته است. در مقابل، تحقیقات جهانی بر نقش حیاتی آموزش هنر و فعالیت بدنی در تقویت مهارت‌های شناختی، خلاقیت، سلامت روان و ارتباط‌های اجتماعی تأکید دارند (Csikszentmihalyi, 1996; Stuckey & Nobel, 2010; Biddle & Asare, 2011).

در سطح کلان، یکی از دلایل بنیادی چنین وضعیتی، رویکرد آزمون‌محور نظام آموزشی است. مطالعات گستردهٔ بین‌المللی نشان داده‌اند که نظام‌های آموزشی مبتنی بر سنجش‌های متمرکز بر حافظه و محتوای نظری، به درس‌های مهارتی و خلاقانه نظیر هنر و تربیت‌بدنی توجه کمتری دارند (Black & Wiliam, 1998; Darling-Hammond, et al., 2020).

در ایران، سیاست‌های آموزشی غالب، به ارتقای نمره در درس‌های اصلی ریاضی، علوم و زبان معطوف بوده و درس‌های هنر و تربیت‌بدنی در معرض کاهش ساعت تدریس، حذف یا تفویض به معلمان غیرمتخصص قرار دارند. این رویکرد آزمون‌محوری، نه تنها از ارزش آموزشی این درس‌ها کاسته، بلکه انگیزهٔ دانش‌آموزان، معلمان و مدیران را برای ارتقای کیفیت آموزش آن‌ها محدود کرده است.

دلیل بعدی، کمبود نیروی متخصص و امکانات آموزشی استاندارد است (ورهام، امیرنژاد و منانی، ۱۴۰۳؛ افضل‌پور، زرنگ، و

برای امتحان‌ها یا کمبود معلم، نخستین گزینه برای حذف یا جایگزینی هستند (داورپناه و عارفی‌نژاد، ۱۴۰۲؛ قاسمی، کاشگر و روشنی، ۱۳۹۴؛ موسوی‌راد و شهیدی، ۱۴۰۱؛ خلیفه، خلیفه، سپهرزادگان و صارمی نوری، ۱۳۹۸) و با آن‌ها بسان دو درس گمشده در پس‌زمینهٔ برنامه‌های درسی برخورد می‌شود. در تأیید این ادعا، **رمضانی‌نژاد** (نقل شده در سرلک و کاوه، ۱۴۰۰) استدلال کرد، درس تربیت‌بدنی جایگاه اصلی خود را در آموزش و پرورش کسب نکرده است و سرلک و کاوه

(۱۴۰۰) نتیجه گرفتند، وضعیت ورزش تربیتی و آموزشی در کشور نواقص و محدودیت‌هایی دارد که برای برطرف کردن آن‌ها باید برنامه‌ریزی‌های مدون و جدیدی وجود داشته باشند.

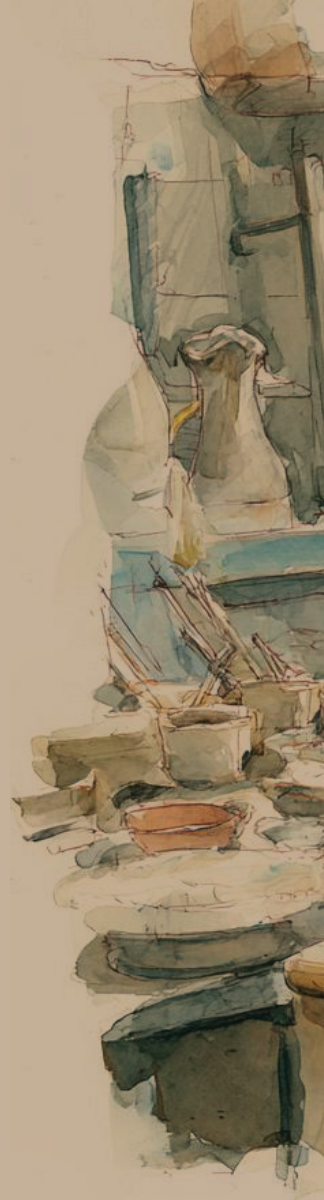
درس هنر نیز با چالش‌هایی مشابه و حتی عمیق‌تر مواجه است. گرچه سند برنامهٔ درسی ملی (۱۳۹۰) درس هنر را بستر توسعهٔ خلاقیت، تفکر شهودی و بیان فرهنگی معرفی کرده است، اما آموزش آن نه تنها انسجام نظری ندارد، بلکه با نوعی سطحی‌نگری و محدودنگری مواجه است (خلیفه و همکاران، ۱۳۹۸). رویکردهای نوین آموزش هنر (نظیر تربیت هنری مبتنی بر فعالیت و خلاقیت) و مفاهیم بومی هنر مانند نقاشی ایرانی، به‌ندرت در مدرسه‌ها اجرا می‌شوند و بیشتر آموزش‌ها به فعالیت‌های تکراری محدود شده‌اند (فلاحی، صفری و یوسف‌فرحنگ، ۱۳۹۶؛ حسن‌پور و نیک‌نام، ۱۳۹۹) و در مقایسه با کشورهای پیشرفته‌ای مانند ژاپن، آموزش هنر در ایران فاقد جایگاهی راهبردی در

تربیت چندساحتی دانش‌آموزان است و بیشتر جنبهٔ تزئینی و فرعی یافته و حتی در بسیاری از مدرسه‌ها به‌صورت غیررسمی یا توسط معلمان غیرتخصصی تدریس می‌شود (کارگزار، کبوک و الداغی، ۱۴۰۰).

با تعمق در یافته‌های گفته‌شده، این برداشت شکل می‌گیرد که در معماری برنامه‌های درسی نظام آموزشی ایران، دو درس قرار دارد که اگرچه در ظاهر حضور دارند، اما در عمل نه جدی گرفته می‌شوند، نه عمیق طراحی شده‌اند و نه منصفانه اجرا می‌شوند. این دو درس، «مغفول‌های سرنوشت‌ساز» هستند؛ چون مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند. و اگر این روند ادامه یابد، بی‌تردید سرنوشت نسل آینده در زمینه‌های سلامت جسمانی و روانی، خلاقیت و توانمندی‌های اجتماعی، به‌شدت آسیب خواهد دید.

حاشیه‌نشینی یا غفلت از درس‌های تربیت‌بدنی و هنر ریشه

تحقیقات جهانی بر نقش حیاتی آموزش هنر و فعالیت بدنی در تقویت مهارت‌های شناختی، خلاقیت، سلامت روان و ارتباط‌های اجتماعی تأکید دارند



خوشبختی، ۱۳۸۶؛ درویشی، ۱۳۹۸؛ سرلک و کاوه، ۱۴۰۰). نبود سالن‌های ورزشی مناسب، کارگاه‌های هنری و تجهیزات کافی، روند آموزش مؤثر را مختل کرده و به شدت از کیفیت یادگیری کاسته است. (UNESCO, 2019؛ OECD, 2020). این نقصان زیرساخت‌ها، علاوه بر تأثیر بر آموزش، از جذابیت این درس‌ها در نظر دانش‌آموزان می‌کاهد. از سوی دیگر، نبود آموزش‌های تخصصی ضمن خدمت و فرصت‌های توانمندسازی معلمان نیز عامل مهمی است.

بررسی‌ها نشان داده‌اند، در بسیاری از مناطق، معلمان تربیت‌بدنی به دلیل آموزش ناکافی و ناآگاهی از روش‌های نوین تدریس، قادر به ارائه آموزش‌های مؤثر نیستند (روزیان، پرنده، ارجمند و پردل، ۱۴۰۳). علاوه بر این، تخصیص نامناسب بودجه به این دو حوزه نسبت به درس‌های نظری، به کمبود منابع آموزشی و تجهیزات منجر شده است. این وضعیت به نوبه خود کیفیت و اثربخشی آموزش را تحت تأثیر قرار می‌دهد (سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، ۲۰۲۳).

در نهایت، نبود آگاهی و شناخت ناکافی سیاست‌گذاران و مدیران آموزشی نسبت به نقش کلیدی تربیت‌بدنی و هنر در سلامت جسمانی، روانی و توسعه مهارت‌های خلاقانه و اجتماعی، سبب غفلت از این دو درس در تصمیم‌گیری‌های کلان، به حاشیه‌رفتن آن‌ها و از دست رفتن

فرصت‌های ارزشمند تربیتی می‌شود (زمانی‌دارانی، ۱۳۹۶). حال سؤال این است که چه کار باید کرد؟ برای بهبود و ارتقای جایگاه درس‌های تربیت‌بدنی و هنر اقدام‌های متعددی می‌توان انجام داد. نخستین و بنیادی‌ترین گام، تغییر نگرش مسلط بر نظام آموزشی نسبت به این دو درس است. لازم است که از رهگذر بازنگری در اسناد بالادستی، تدوین بیانیه‌های فلسفی جدید و بازتولید گفتمان‌های تربیتی در رسانه‌ها، دانشگاه‌ها و نهادهای تصمیم‌ساز، درس‌های تربیت‌بدنی و هنر نه به‌عنوان ابزار سرگرمی یا تنش‌زدایی، بلکه به‌عنوان درس‌هایی «هویت‌ساز، مهارت‌آفرین و سلامت‌محور» بازشناخته شوند، چون پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که تغییر گفتمان غالب بر سیاست‌های آموزشی، پیش‌شرط تغییر در اولویت‌بندی منابع و برنامه‌ریزی درسی است (ایزنر، ۲۰۰۲). حذف یا کم‌رنگ کردن آزمون‌های متمرکز و حافظه‌محور و جایگزینی آن‌ها با شیوه‌های ارزشیابی فرایندی، عملکردی و پروژه‌محور، می‌تواند فرصت‌هایی برای رشد درس‌های خلاقانه و مهارتی فراهم آورد. تجربه‌های موفق کشورهای نظیر فنلاند، نیوزیلند و سنگاپور نشان می‌دهد، حذف آزمون‌های رتبه‌بندی ملی در سال‌های ابتدایی تحصیل، موجب تقویت درس‌های هنر و تربیت‌بدنی

نبود آگاهی و شناخت ناکافی سیاست‌گذاران و مدیران آموزشی نسبت به نقش کلیدی تربیت‌بدنی و هنر در سلامت جسمانی، روانی و توسعه مهارت‌های خلاقانه و اجتماعی، سبب غفلت از این دو درس در تصمیم‌گیری‌های کلان، به حاشیه‌رفتن آن‌ها و از دست رفتن فرصت‌های ارزشمند تربیتی می‌شود



و تقویت رفاه و انگیزه یادگیری دانش آموزان شده است (Darling-Hammond, et al., 2020).

گسترش دوره‌های تربیت معلم تخصصی در حوزه‌های تربیت بدنی و هنر در دانشگاه‌های فرهنگیان، ارتقای جایگاه حرفه‌ای این معلمان و ایجاد مشوق‌های شغلی (نظیر ارتقای رتبه، افزایش حقوق یا فرصت‌های ادامه تحصیل) برای جذب نیروهای توانمند، از ضروریات توسعه این دو حوزه هستند (ورهام، امیرنژاد و منانی، ۱۴۰۳). همچنین، بهره‌گیری از هنرمندان و مربیان حرفه‌ای خارج از آموزش و پرورش در قالب طرح‌های مکمل نیز می‌تواند نقش مؤثری ایفا کند.

با توجه به کمبود معلمان تخصصی، اجرای برنامه‌های آموزشی ضمن خدمت کاربردی و مشارکتی برای معلمان عمومی، به‌ویژه در مناطق کم‌برخوردار، می‌تواند کیفیت آموزش را به‌طور ملموسی ارتقا دهد. این دوره‌ها باید مبتنی بر روش‌های نوین تدریس، استفاده از رسانه‌های نو و با تأکید بر یادگیری از طریق عمل طراحی و اجرا شوند.

برنامه‌های درسی هنر و تربیت بدنی باید به‌گونه‌ای بازطراحی شوند که با تحولات جهانی، نیازهای روانی اجتماعی نسل جدید و ظرفیت‌های بومی سازگار باشند. در هنر، آموزش موسیقی، نمایش، طراحی دیجیتال و تولید محتوای هنری نوین، و در تربیت بدنی، بازی‌های مهارتی، ورزش‌های همگانی و آموزش سبک زندگی فعال باید مورد توجه قرار گیرند. طراحی مواد کمک‌آموزشی جذاب، دیجیتال و چندرسانه‌ای نیز می‌تواند این شرایط را تسهیل کند. ایجاد و تجهیز فضاهای ورزشی و هنری استاندارد در مدرسه‌ها،

به‌ویژه در دوره‌های ابتدایی و مناطق کم‌برخوردار باید یکی از اولویت‌های بودجه‌ای آموزش و پرورش باشد. تخصیص ردیف بودجه مشخص برای تجهیز کلاس‌های هنر و تربیت بدنی، به‌کارگیری منابع محلی (نظیر مراکز فرهنگی و ورزشی شهرها) و تدوین بسته‌های حمایتی برای مدرسه‌های فاقد امکانات در این راستا ضروری است. آگاه‌سازی خانواده‌ها درباره نقش تربیت بدنی و هنر در سلامت و موفقیت فرزندان، از طریق کارگاه‌های والدین، جشنواره‌های مدرسه‌ای، نمایشگاه‌های آثار هنری و رویدادهای ورزشی، می‌تواند پشتیبانی اجتماعی از این درس‌ها را تقویت کند. مدرسه‌ها باید به کانون‌های تجربه مشترک هنری و تربیت بدنی خانواده و کودک تبدیل شوند تا این دو حوزه از حاشیه به متن زیست تربیتی کودک منتقل شوند.

برای اطمینان از بهبود کیفیت آموزش درس‌های هنر و تربیت بدنی، لازم است نظامی به‌منظور پایش مستمر اجرای این درس‌ها، سنجش بازخورد دانش‌آموزان و معلمان، و ارزیابی اثرات آن بر سلامت، خلاقیت و مشارکت دانش‌آموزان طراحی شود. نتایج این ارزیابی‌ها می‌تواند به اصلاح سیاست‌ها، تخصیص منابع و برنامه‌ریزی‌های آینده کمک کند.

و در نهایت، سیاست‌گذاران آموزشی باید مفهوم «تربیت همه‌جانبه» را از شعار به راهبردی عملیاتی بدل کنند. این امر مستلزم بازتوزیع منابع، بازنگری در اولویت‌های آموزشی، اصلاح تقویم زمانی مدرسه و تغییر در ساختار برنامه درسی ملی است؛ به‌گونه‌ای که سلامت، خلاقیت، تخیل و مهارت‌های اجتماعی، هم‌تراز سواد خواندن، نوشتن و محاسبه قرار گیرند.

پی‌نوشت

1. learning by doing

منابع

- افضل پور، محمداسماعیل، زنگ، محمود، و خوشبختی، جعفر. (۱۳۸۶). ارزشیابی وضعیت اجرای درس تربیت بدنی در پایه‌های اول و دوم مدارس ابتدایی استان خراسان جنوبی. پژوهش در علوم ورزشی، ۱۶(۵)، ۱۰۷-۱۲۵.
- حسن پور، فاطمه؛ نیک‌نام، نگار. (۱۳۹۶). استفاده از نقاشی ایرانی در آموزش هنر به دانش‌آموزان متوسطه اول به‌منظور افزایش خلاقیت بصری. اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۱(۱۳)، ۱۶۵-۱۸۲.
- خلیفه، رضا؛ خلیفه، مصطفی؛ سپهرزادگان، زهرا؛ صارمی نوری، فریده. (۱۳۹۸). آموزش هنر دوره ابتدایی در نظام آموزشی ایران، سومین کنفرانس دانش و فناوری روانشناسی، علوم تربیتی و جامعه‌شناسی ایران، تهران، <https://civilica.com/doc/929675>.
- داورپناه، سیده آزاده و عارفی‌نژاد، سیدمجید. (۱۴۰۲). بررسی تربیت بدنی در نظام آموزش و پرورش. هشتمین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پژوهش. محمودآباد، <https://civilica.com/doc/1953728>.
- درویشی، عصمت. (۱۳۹۸). بررسی وضعیت درس تربیت بدنی در مدارس دخترانه شهرستان میناب از دیدگاه مدیران و مربیان. پژوهشنامه اورمزد، ۴۸ (ضمیمه شماره ۲)، ۱۲۱-۱۲۹.
- روزیان، محسن پرنده، رضا ارجمند، صادق پردل، آزاد. (۱۴۰۳). نقش تربیت بدنی در آموزش ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی، بیست و سومین همایش ملی علمی پژوهشی روان‌شناسی و علوم تربیتی، شیروان، <https://civilica.com/doc/2277313>.
- زمانی دارانی، فاطمه. (۱۳۹۶). بررسی مشکلات و محدودیت‌های درس هنر دوره متوسطه اول از دیدگاه معلمان (یک پژوهش کیفی، مورد مطالعه شهرستان فریدن). همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران (اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی). <https://sid.ir/paper/896075/fa>.
- سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۰). تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). تهران: شورای عالی آموزش و پرورش.

۱۰. سرلک، سعیدعلی؛ کاوه، فرشاد. (۱۴۰۰). تبیین چالش‌های ورزش آموزش کشور با تأکید بر جهت‌دهی سبک زندگی دانش‌آموزان. جامعه‌شناسی سبک زندگی، ۷ (۱۸)، ۱۲۵-۱۳۹.

۱۱. فلاحی، ویدا؛ صفری، یحیی؛ یوسف فرحنگ، ماندانا. (۱۳۹۰). تأثیر آموزش با رویکرد تربیت هنری بر فعالیت‌های هنری و مهارت‌های فرآیندی دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی. نوآوری‌های آموزشی، ۱۰ (۳۹)، ۱۰۱-۱۱۸.

۱۲. قاسمی، حمید؛ کشکر، سارا؛ روشنی، رؤیا. (۱۳۹۴). تحلیل محتوای عناوین و موضوعات کتاب‌های تربیت بدنی و ورزش. پژوهش‌های فیزیولوژی و مدیریت در ورزش، ۳۷ (۳)، ۵۹-۷۳.

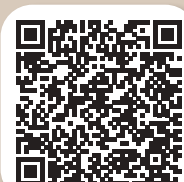
۱۳. کارگزار، معصومه؛ کیوک، حانیه؛ الداغی، آنیتا. (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی برنامه درسی هنر در دوره ابتدایی در ایران و ژاپن. نوآوری‌های آموزشی، ۱۸ (۶۹)، ۱۱۳-۱۳۸.

۱۴. کیانی، مهدی. (۱۴۰۳). چالش‌ها و فرصت‌های تربیت بدنی در نظام آموزشی ایران. اولین همایش بین‌المللی معلمان استعدادیاب و فرهنگ‌ساز در توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کارآندیش در مسیر توسعه پایدار، <https://civilica.com/doc/2255164>.

۱۵. موسوی‌راد، سیده طاهره؛ شهیدی، زلیخا. (۱۴۰۱). اهمیت درس تربیت بدنی در نظام آموزشی و تربیتی ایران با نگاهی به نگرش‌های مختلف در این راستا. نشریه پژوهش‌های مدیریت در جهان اسلام، پیاپی ۱۰ (بهار ۱۴۰۱).

۱۶. هاشمی، سیده هانیه؛ خطیبی، امین؛ هژیرنیا، زهرا؛ علم، شهرام. (۱۴۰۰). نقش تربیت بدنی در مدارس بر سلامت دانش‌آموزان. تحقیقات در علوم ورزشی و گیاهان دارویی، دوره ۱، شماره ۴، ۴۸-۵۷.

۱۷. وره‌رام، باران؛ امیرنژاد، سعید؛ منانی، معصومه‌السلادات. (۱۴۰۳). واکای موانع و راهکارهای توسعه تربیت بدنی مدارس در نظام آموزشی ایران (یک مطالعه کیفی). پژوهش در ورزش تربیتی، ۱۲ (۳۴)، ۱۵۱-۱۷۲.



برای دسترسی به منابع لاتین پویش کنید.